



The Role of the Victim in Adultery with Seduction and Deception from the Perspective of Jurisprudence and Law in the Light of Scientific Victimology

Hamidreza Shamlou¹, Mohsen Rahami^{*2}, Elham Heydari³, Karim Salehi⁴

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2. Visiting Associate Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

3. Visiting Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 103-112

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3124-8360

TELL: +989125873821

Email: rahamioffice@gmail.com

Article history:

Received: 02 Sep 2023

Revised: 07 Dec 2023

Accepted: 16 Dec 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Adultery, Seduction, Deception, Scientific Victimology, Victim.

ABSTRACT

The role of the victim in committing crimes is one of the important topics that is discussed and investigated under the title of scientific victimology. In this article, an attempt has been made to investigate the question that from the point of view of jurisprudence and law and in the light of scientific victimology, how can the role of the victim in adultery with seduction and deception be analyzed. This article is descriptive and analytical, and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings indicate that the role of scientific victimology in Iranian jurisprudence and criminal law is very limited, and in "Hadd" crimes, the victim cannot be given a role. Regarding the role of the victim in adultery accompanied by seduction and deception, the discussion of seduction and deception is basically considered if it is effective in achieving satisfaction and is not discussed as an independent factor. In fact, to examine the role of the victim in adultery with seduction and deception, one should focus on the element of consent. If sexual intercourse took place without consent, it is considered rape and the perpetrator is sentenced to death, and the victimized woman is not criminally responsible. Proving adultery by force in a situation where adultery was accompanied by seduction and deception is the responsibility of the victim and it is simply not possible because the punishment is very heavy for the offender, especially since there may be previous acquaintance and there are signs of consent in the seduction and there is deception. Sex in a situation without coercion is considered adultery and in such crimes there is no victim and the victim is also a criminal.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Shamlou, H; Rahami, M; Heydari, E & Salehi, K (2023). "The Role of the Victim in Adultery with Seduction and Deception from the Perspective of Jurisprudence and Law in the Light of Scientific Victimology". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 103-112.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

نقش بزه‌دیده در زنای همراه با اغوا و فریب از منظر فقه و حقوق در پرتو بزه‌دیده‌شناسی علمی

حمیدرضا شاملو^۱، محسن رهامی^{۲*}، الهام حیدری^۳، کریم صالحی^۴

۱. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. دانشیار مدعو گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار مدعو گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرائم از موضوعات مهمی است که تحت عنوان بزه‌دیده‌شناسی علمی مورد بحث و بررسی است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این سؤال پرداخته شود که از منظر فقه و حقوق و در پرتو بزه‌دیده‌شناسی علمی، نقش بزه‌دیده در زنای همراه با اغوا و فریب چگونه قابل تحلیل است؟ مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که جایگاه بزه‌دیده‌شناسی علمی در فقه و حقوق کیفری ایران بسیار محدود است و در جرائم حدی، برای بزه‌دیده نمی‌توان نقشی قائل شد. درخصوص نقش بزه‌دیده در زنای همراه با اغوا و فریب نیز بحث اغوا و فریب اساساً چنانچه در تحقق رضایت تأثیرگذار باشد، مورد توجه است و به‌عنوان عامل مستقلی مورد بحث نیست. درواقع برای بررسی نقش بزه‌دیده در زنای همراه با اغوا و فریب باید بر عنصر رضایت متمرکز شد. چنانچه رابطه جنسی بدون رضایت صورت گرفته باشد، زنای به عنف محسوب شده و مرتکب محکوم به اعدام است و زن بزه‌دیده مسؤولیت کیفری ندارد. اثبات زنای به عنف در شرایطی که زنا همراه با اغوا و فریب صورت گرفته باشد، برعهده بزه‌دیده بوده و به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، زیرا مجازات آن برای مرتکب بسیار سنگین است، خصوصاً که ممکن است آشنایی قبلی وجود داشته و نشانه‌هایی از رضایت نیز در اغوا و فریب وجود داشته باشد. رابطه جنسی در شرایطی که بدون اجبار باشد، زنا محسوب شده و در این‌گونه جرائم درواقع بزه‌دیده‌ای وجود ندارد و بزه‌دیده خود نیز بزه‌کار می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۳-۱۱۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۸۹۶۰-۳۱۲۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۵۸۷۳۸۲۱

ایمیل: rahamioffice@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

زنا، اغوا، فریب، بزه‌دیده‌شناسی علمی، بزه‌دیده.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

به‌طور کلی در وقوع جرم عوامل مختلفی دخیل می‌باشند که یکی از این عوامل نقش بزه‌دیده در وقوع جرم است. «جرم، مجرم و بزه‌دیده، اضلاع سه‌گانه هر اقدام مجرمانه است. نقش بزه‌دیدگان به‌عنوان یکی از اضلاع مثلث جرم، از نظر جرم‌شناسان به دور نمانده و از اوایل دهه ۷۰ میلادی در رشته جدیدی به‌نام بزه‌دیده‌شناسی به بررسی بزه‌دیدگان جرائم پرداخته شده است» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲۳). مطابق رویکرد بزه‌دیده‌شناسی، جرم یک خطر مسلم اجتماعی تلقی شده و برای مقابله با آن باید به تمام عناصر ارتکاب جرم توجه شود. از این منظر، یکی از این عناصر بزه‌دیده می‌باشد. باید توجه داشت که در جرائمی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، به‌عبارتی تنها مقصر اصلی شخص بزه‌کار نمی‌باشد و رفتار، کردار و اعمال شخص بزه‌دیده نیز می‌تواند دلیل وقوع بزه واقع شده باشد. یکی از شایع‌ترین نوع جرائم در سطح جامعه که نقش بزه‌دیده در آن نقش دارد، جرائم جنسی علیه زنان می‌باشد. بی‌تردید «جرائم جنسی زنان و دختران به‌عنوان یکی از انواع انحرافات اجتماعی از عوامل مهم اختلال امنیت، فرهنگی اجتماعی نظم و انتظام جوامع محسوب می‌شود و به‌همین دلیل نظام‌های مختلف حقوقی راهکارها، تدابیر و اقدامات ویژه‌ای را در کنترل برخورد و ریشه‌کن کردن آن اتخاذ می‌کنند، در این میان تمام نظام‌های حقوقی و سیاست جنایی متخذ از آن با انحرافات جنسی عموماً و خشونت و آزار جنسی خصوصاً به شدت برخورد می‌کند، هرچند نوع برخوردها متفاوت می‌باشد» (مرادی، ۱۳۹۵: ۳۴)، اگرچه امروزه اعمال خشونت علیه زنان و آزار آنان به‌گونه‌های مختلف در جریان است، اما نوع شدید و متداول آن آزار جنسی زنان و جرائم ارتكابی جنسی است. جنسیت و روابط جنسی برای بقای موجودات زنده‌ای که از دو جنس مخالف می‌باشند، ازجمله مظاهر اصلی و ارکان تعریف حیات به‌شمار می‌رود. ازاین‌رو «یکی از کهن‌ترین و باسابقه‌ترین انواع انحرافات بشری و کجروی‌های موجود در جوامع بشری پدیده انحرافات جنسی و جرائم جنسی علیه زنان می‌باشد. طبق آمارهای جهانی، جرائم جنسی علیه زنان بعد از جرائم خشونت‌آمیز، بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد»

(محمدی اصل، ۱۳۹۴: ۵). درخصوص بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی، یافته‌های علوم جنایی حاکی از آن است که این جرائم، بعد از جرائم خشونت‌آمیز، بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد. جرائم جنسی به‌ویژه زنانی به عنف، یکی از بدترین و تأسف‌بارترین جرائم است که در آن علاوه بر خسارات متعددی که به بار می‌آورد، به شأن و کرامت انسانی نیز توهینی عظیم صورت می‌گیرد. جرائم جنسی آثار اجتماعی بسیار منفی و حتی آسیب‌های روانی و فرهنگی بسیار بالایی داشته و منجر به فساد و بی‌بندوباری جوامع می‌گردد. جرائم جنسی علیه زنان دارای مصادیق گوناگونی می‌باشد. یکی از جرائمی که در سال‌های اخیر رشد صعودی داشته است، جرائم جنسی علیه زنان از طریق اغفال آن‌ها می‌باشد. درخصوص زنان بزه‌دیده و جرائم علیه زنان پژوهش‌های متعددی انجام شده است: الناز عسکری در مقاله‌ای به بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی پرداخته است (عسکری، ۱۳۹۷). عباس شیخ‌الاسلامی و فرهاد شاهیده، نیز در مقاله‌ای، رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی نسبت به بزه‌دیدگی جنسی زنان را با توجه به قوانین کیفری و رویه قضایی مورد بررسی قرار داده‌اند (شیخ‌الاسلامی و شاهیده، ۱۳۹۷). همچنین شیرین بیات و علی خالقی در مقاله‌ای، جایگاه زنان بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری را با رویکردی تطبیقی بررسی کرده‌اند (بیات و خالقی، ۱۴۰۱). در این مقاله، اما تلاش شده به بررسی نقش بزه‌دیده در زنانی همراه با اغوا و فریب از منظر فقه و حقوق در پرتو بزه‌دیده‌شناسی علمی پرداخته شود. سؤال مقاله بدین‌شکل قابل‌طرح است که در زنانی همراه با اغوا و فریب از منظر فقه و حقوق در پرتو بزه‌دیده‌شناسی علمی، نقش بزه‌دیده چگونه بوده و چه جایگاهی دارد؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی علمی تبیین شده، سپس به بررسی نقش زنان در بزه‌دیدگی از منظر بزه‌دیده‌شناسی علمی پرداخته شده و در ادامه از نقش بزه‌دیده در زنانی همراه با اغوا و فریب بحث شده است.

۱- بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی علمی

بزه‌دیده شخصی است که به‌دنبال «رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زبان مالی یا آسیب اساسی

به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۹۴) و یا به عبارت دیگر، «بزه‌دیده کسی است که یکی خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد شده و اکثراً افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند» (بابازاده، ۱۳۸۳: ۱۳۹). بزه‌دیده طبق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «شخصی است که از وقوع جرم محتمل ضرر و زیان می‌گردد...». بنابراین بزه‌دیده یک مفهوم عام از کسی است که از وقوع جرم آسیب دیده است. این فرد می‌تواند یک شخص حقیقی مانند همه افرادی که در جامعه هستند، باشد و یا یک شخص حقوقی مثل شرکت‌ها. آسیب و ضرری که به بزه‌دیده وارد می‌شود، می‌تواند مادی یا معنوی باشد. در قانون مجازات، بزه‌دیده در برابر بزه‌کار قرار دارد. بزه‌کار فردی است که مرتکب جرم شده است. در ادامه ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ آمده است: «... و چنانچه تعقیب متهم را درخواست کند، شاکی نامیده می‌شود.» بنا بر این ماده، شاکی خصوصی همان بزه‌دیده است که تعقیب دعوی و محکومیت کیفری متهم را به موجب شکایت، خواستار شده است. بنابراین در صورتی که بزه‌دیده (یعنی کسی که از جرم صدمه دیده است) اقدام به شکایت در دادسرا یا دادگاه کند و درخواست رسیدگی به عمل مجرمانه‌ای که نسبت به او صورت گرفته است، داشته باشد، شاکی نامیده می‌شود. در این خصوص شاکی در مقابل متشکی‌عنه یا متشاکی قرار دارد. متشاکی یا متشکی‌عنه به کسی می‌گویند که از او شکایت شده است. بزه‌دیدگی، عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه‌دیدگی می‌گویند (الستی و حسن‌پور، ۱۳۸۵: ۲۴). به تعبیری ساده باید گفت بزه‌دیده شخصی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم هدف آسیب بدنی، روانی، عاطفی، مالی، حیثیتی و آسیب‌های اساسی به حقوق و آزادی‌های فردی، قرار گرفته که این آسیب‌ها در نتیجه یک عمل مجرمانه که بزه‌دیدگی نام دارد، اتفاق افتاده است و نیاز مبرم به تأمین خسارت و جبران ضرر و زیان دارد.

بزه‌دیده‌شناسی از دو کلمه قربانی و شناخت تشکیل شده است. «بزه‌دیده‌شناسی شاخه‌ای از جرم‌شناسی و رشته‌ای علمی از علوم انسانی است که به مطالعه قربانی مستقیم جرم می‌پردازد» (کی‌نیا، ۱۳۸۲: ۶۲). بزه‌دیده‌شناسی «شاخه‌ای از

جرم‌شناسی است که با لحاظ کردن جایگاه و اهمیتی ویژه برای قربانی جرم، در رابطه سه‌گانه جرم، مجرم و قربانی، سعی دارد به شناخت و بررسی نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و خصوصیات وی و رابطه او با بزه‌کار و درنهایت حمایت از بزه‌دیدگان و تضمین حقوق آن‌ها بپردازد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۹۴). به عبارت دیگر، بزه‌دیده‌شناسی در تلاش است تا موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی را که به ارتکاب بزه و بزه‌دیدگی منتهی می‌شود، حتی‌الامکان محدود کرده و کاهش دهد. در این راستا به تقویت آماج و پیش‌بینی تدابیری به‌منظور جلوگیری از ارتکاب جرم و ملاً جلوگیری از بزه‌دیدگی اهتمام می‌ورزد. علم بزه‌دیده‌شناسی درواقع «گسترش و تعمیق مطالعات مربوط به بزه‌دیده در جهت اتخاذ سیاست جنایی هرچه بهتر در امر مبارزه با جرم و پیشگیری از آن می‌باشد» (ساداتی، ۱۳۹۰: ۴). بنابراین بزه‌دیده‌شناسی به ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی و شخصیت بزه‌دیده، مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی، روابط او با مجرم و بالاخره مشارکتش در وقوع جرم، درواقع بزه‌دیده‌شناسی به‌منزله دانش مطالعه قربانیان جرم، مطالعاتی فرعی یا وابسته‌ای است که با انتقاد از ماهیت سنتی بزه‌کارمدار جرم‌شناسی پدید آمده است. «بزه‌دیده‌شناسی علمی به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و درحقیقت بزه‌دیده‌شناسی علمی شاخه‌ای از جرم‌شناسی علت‌شناسانه است که در آن نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و به‌عنوان یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم از سوی بزه‌کار بررسی و در کنار سایر علل و عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرد» (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۶۷). باید اذعان نمود «رویکرد نخست بزه‌دیده‌شناسی به مقصرانگاشتن بزه‌دیده متمرکز است که از آن به بزه‌دیده‌شناسی علمی یا اولیه یاد می‌شود، بزه‌دیده‌شناسی علمی سعی در تبیین مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی مسأله بزه‌دیدگی دارد و این بررسی تنها روی نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و میزان مسؤولیت او تمرکز نکرده، بلکه باتوجه به موقعیت بزه‌دیده که او را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد، به حمایت از بزه‌دیده در کاهش بزه‌دیدگی و آسیب‌های وارده بر او تلاش می‌نماید» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲۰).

باشد، در دسترس‌تر و در نتیجه بیشتر در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار خواهد گرفت، بدین‌سان این نظریه، توزیع نامنظم بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی را در زمان و مکان، برحسب تفاوت شیوه زندگی آنان، تبیین می‌کند» (Meier & Miethe, 1993).

«برای نمونه، مجردزیستن، زیاده‌روی در نوشیدن مشروبات الکلی، استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی، معاشرت با مردان جوان، رفت‌وآمد شب‌هنگام به اماکن عمومی و زندگی در شهرهای بزرگ، از شیوه‌های زندگی است که نرخ بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی را بالا می‌برد. شیوه و سبک زندگی زنان ممکن است در تولد اندیشه مجرمانه و سپس در فرآیند فعلیت‌بخشیدن به این اندیشه، از طریق تسریع فرآیند ارتکاب جرائم جنسی و در نتیجه بزه‌دیدگی و تحریک بزه‌کار مؤثر باشد. هرچه زنان با اشخاص بزه‌کار یا محیط‌های مجرمانه و خطرناک و زمان‌های پرخطر بیشتر رفت‌وآمد کنند، میزان بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند. در این پرونده، ارتباط قبلی و آشنایی بین طرفین جرم نیز قابل‌توجه است. پژوهش در قلمرو بزه‌دیدشناسی نخستین نشان می‌دهد که ارتباط میان بزه‌دیده و بزه‌کار مسأله‌ای مهم است و انتخاب فرد بزه‌دیده از طرف بزه‌کار تا اندازه‌ای ناشی از رابطه قبلی بین آن دو است» (Henning & Holdford, 2017: 33). رابطه قبلی و آشنایی بزه‌دیده و بزه‌کار نقش مهمی در تکوین بزه زنا‌ی به‌عنف دارد. «به‌موجب تحقیقاتی که در ارتباط با زنا‌ی به‌عنف در کشورهای غربی انجام شده است، مشخص گردیده که نزدیک به دوسوم از بزه‌ها توسط مرتکبان آشنا (شامل دوستان، آشنایان، عشاق صمیمی و خویشاوندان) صورت گرفته و برعکس، یک‌سوم از مرتکبان این جرائم، اشخاص بیگانه بوده‌اند. موقعیت‌های احتمالی به‌وجودآمده بین بزه‌کاران و زنان به‌عنوان بزه‌دیدگان بالقوه باتوجه به سبک زندگی آن‌ها تغییر می‌کند، بدین‌سان، باتوجه به تصمیماتی که زنان برای برگزیدن انواع شیوه‌های زندگی اتخاذ می‌کنند، احتمال بزه‌دیدگی آنان نسبتاً قابل پیش‌بینی است. علت بزه‌دیدگی برخی زنان ناشی از انتخاب نوع سبک زندگی آنان است که خطر بزه‌دیدگی را کم یا زیاد می‌کند» (Gottfredson, 1984). از این منظر، زنان، آگاهانه و

«بزه‌دیدشناسی زنان نیز نگاهی ویژه به طبقه‌ای از بزه‌دیدگان دارد که ساختار خاص جسمانی و روانی و نیز عوامل تاریخی و اجتماعی، آنان را از سایر بزه‌دیدگان متمایز می‌سازد. بررسی میزان و نوع جرائم ارتكابی توسط زنان و نیز علیه زنان نشان می‌دهد که این گروه کمتر از مردان مرتکب جرم می‌شوند و کمتر بزه‌دیده واقع می‌شوند، اما قربانی جرائم خاصی هستند و بزه‌دیدگی آنان نیز دارای ویژگی‌های مخصوص به خود می‌باشد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱). زنان علاوه‌بر این که می‌توانند زیان‌دیده جرائم ارتكابی باشند، بار یک بزه‌دیدگی ساختاری ناشی از اجحاف تاریخی، اجتماعی و اقتصادی را به دوش می‌کشند و این بزه‌دیدگی در نگاه کلان، یکی از علل بزه‌دیدگی خرد آنان، یعنی بزه‌دیدگی ناشی از جرائم است.

۲- نقش زنان در بزه‌دیدگی از منظر بزه‌دیدشناسی علمی

«برخی زنان به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی بزه‌کار را بر خویش فراهم می‌سازند و درواقع با عمل خود قصد ارتکاب جرم را در بزه‌کار ایجاد می‌کنند. ازجمله این موارد می‌توان به رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز از سوی زنان اشاره کرد. در این حالات قربانی جرم درواقع با بیان کلمات و یا انجام کارهایی بزه‌کار را نسبت به انجام جرم تشویق می‌نماید، هرچند بزه‌دیده به‌شخصه چنین نتیجه‌ای را از فعل خویش انتظار نداشته باشد» (فیلزولا، ۱۳۸۹: ۹۶).

در این خصوص نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. «یکی از این نظریات، نظریه سبک زندگی زنان بزه‌دیده در جرائم جنسی است. نظریه سبک زندگی یکی از اولین تلاش‌ها برای تبیین قربانی‌شدن کیفری است. این نظریه که به گادفردسن و هیندلانگ منسوب است، در پی بررسی این موضوع است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. مطابق این دیدگاه، آنان بر این باورند که جرم یک واقعه اتفاقی نیست، بزه‌دیدگی براساس سبک زندگی افراد، رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آن‌ها دارد، زیرا هر قدر شیوه زندگی یک زن بارزتر باشد، یعنی فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت وی در خارج از خانه بیشتر

او انجام می‌شود (مفید، ۱۴۱۰: ۷۷۸/۱). زناى به عنف، به معنای زناکردن با زور، اجبار و تهدید و بدون رضایت زن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۹۲/۱) و با سلب اختیار کامل از زن صورت می‌گیرد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰/۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۱/۴). در منابع روایی و فقهی شیعه از عناوینی مانند «زناى اکراهی» (عاملی جُبعی، ۱۴۲۵: ۳۶۰/۱۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱۶)، «زناى به عنف» (سبحانی، ۱۳۷۶: ۵۰۸/۱)، «غصب» و «غصب فرج» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۰۸/۲۸) و «مُکابره» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۸۹/۷)، برای بیان «زناى به عنف» استفاده شده است. برخی فقهای معاصر در باب زنا، تعبیر زناى به عنف را در کنار زناى اکراهی به کار برده‌اند (منتظری، ۱۴۱۳: ۵۵۳/۱). از دید فقه، حدّ زناى به عنف، قتل زناکار است، زیرا این فعل شنيع‌تر از عمل زنا با رضایت طرفین است و مجازات آن نیز باید غلیظ‌تر باشد (سیدمرتضی، ۱۴۳۳: ۵۲۷/۱).

قانون‌گذار در بند «ت» ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که: «حد زنا در زناى به عنف و اکراه از سوز زانی موجب اعدام زانی است.» این حکم قانون‌گذار برگرفته از دیدگاه مشهور فقهای امامیه می‌باشد که حد قتل با شمشیر را برای زانی که زنی را مجبور به زنا می‌کند، مقرر داشته‌اند (عاملی جُبعی، ۱۳۸۰: ۴۵). نکته قابل توجه اینکه قانون‌گذار در ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ علاوه بر مقررکردن مجازات اصلی این جرم، یعنی اعدام قائل به یک مسؤولیت کیفری و یک مسؤولیت مدنی دیگر شده است، به این معنی که زن مورد تجاوز در صورتی که باکره باشد، متجاوز به پرداخت آرش‌البکاره (دیه غیرمقدر برای پارگی بکارت زن) محکوم می‌شود، به این معنی که قاضی دادگاه بر مبنای ماده ۴۴۹ با لحاظ نوع و کیفیت جنایت واقعه و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه کامل انسان و همچنین نظر کارشناس اقدام به تعیین آرش می‌نماید. «رکن مادی زناى به عنف جرم عبارت است از واداشتن کسی به ارتکاب زنا بدون اینکه او به این عمل تمایل و رضایت داشته باشد. درحقیقت رکن اصلی رکن مادی بزه زناى به عنف را اعمال زور و فشار از ناحیه مرتکب و عدم رضایت بزه‌دیده تشکیل می‌دهد. درحقیقت این عدم رضایت

غیرآگاهانه، شرایط و بستر وقوع جرایم جنسی علیه خود را فراهم می‌کنند.

۳- نقش بزه‌دیده در زناى همراه با اغوا و فریب از منظر فقه و حقوق

نقش بزه‌دیده در زناى همراه با اغوا و فریب از منظر فقه و حقوق در دو قسمت جرائم حدی و عدم توجه به نقش بزه‌دیده و رضایت در تبیین نقش بزه‌دیده بررسی می‌شود.

۳-۱- جرائم حدی و عدم توجه به نقش بزه‌دیده

بحث زنا در حوزه حدود در فقه اسلام است. در حقوق کیفری اسلامی «حدود» به عنوان یکی از بحث‌برانگیزترین انواع مجازات‌ها مطرح هستند. قانون‌گذار اسلامی در هنگام تشریع احکام حدود اهداف خاصی را مدنظر داشته که این اهداف دنباله‌رو هدف اصلی نظام حقوقی اسلامی می‌باشد. به هر حال در حدود به نقش و تأثیر بزه‌دیده در وقوع جرائم جنسی حدی بی‌تفاوت نبوده است، مثلاً در فصل اول از بخش دوم کتاب حدود مجازات‌های در نظر گرفته شده، هم برای زانی و هم برای زانیه می‌باشد و در فصل دوم حد لواط هم برای فاعل و هم برای مفعول در نظر گرفته شده است؛ این موارد در رابطه با تفخیز و مساحقه نیز وجود دارد و فقط در موارد زناى به عنف بزه‌دیده میرا از مجازات می‌باشد، اما نکته مهم و قابل توجه این است که نقش بزه دیده در جرائم حدی پذیرفته نشده است. مبنای مجازات در همه جرائم جنسی حدود شراکت و رضایت در ارتکاب می‌باشد، نه مصادیق همچون تحریک تسهیل، ترغیب در رابطه با بزه‌دیده که بزه‌کار را به ارتکاب جرائم جنسی علیه بزه‌دیده را بدون رضایت آن منجر شود.

«بی‌تردید زناى به عنف، شدیدترین نوع خشونت جنسی شمرده می‌شود که طی آن مرتکب به عنف و اجبار و بدون رضایت بزه‌دیده به او تجاوز می‌کند» (برهانی و دادجو، ۱۳۹۶: ۱۱۴). براساس فقه جزایی اسلام «مجازات زانی به عنف قتل است که این حکم مورد اتفاق همه فقها نیز می‌باشد» (منتظری، ۱۴۱۳: ۵۵۳/۱). زناى به عنف، عنوانی است برای رفتارها و اعمال جنسی‌ای که بدون رضایت بزه‌دیده و به ضرر

است و رضایت بزه‌دیده عبارت است از تمایل باطنی و موافقت قلبی بر تحقق امری پس از تصور و تصدیق منفعت آن و یا تمایل قلبی و موافقت بزه‌دیده به اینکه تعرضی برخلاف قانون علیه حقوق و آزادی‌های او انجام گیرد. «فرآیند رضایت که یک امر باطنی است، می‌تواند به‌صورت اذن در خارج تبلور یابد، مثل اذن در بوسیده‌شدن و یا دخول در قبل یا دبر که بزه‌دیده قبل از ارتکاب بزه یا مقارن آن بدون اکراه و از روی قصد، رضایت خود را به انجام عمل مجرمانه اعلام نموده است» (اسکندریور، ۱۳۹۶: ۶۸).

«ارتکاب برخی اعمال مجرمانه در صورتی که مسبوق به رضایت بزه‌دیده باشد، می‌تواند موجب زوال یکی از اجزای متشکله رکن مادی جرم و در نتیجه سلب وصف مجرمانه عمل گردد، البته این در رابطه با جرائمی می‌باشد که جنبه خصوصی آن غلبه دارد و از جمله جرائم قابل گذشت می‌باشد» (اردیلی، ۱۳۹۶: ۱۸۶)؛ این در صورتی است که جرائم جنسی دارای چنین خصیصه‌ای نمی‌باشد، اما در برخی موارد مانند زنا یا به‌عنف رضایت موجب تغییر عنوان جزایی به رابطه گردد، البته این در رابطه با جرائمی می‌باشد که جنبه خصوصی آن غلبه دارد و از جمله جرائم قابل گذشت می‌باشد؛ این در صورتی است که جرائم جنسی دارای چنین خصیصه‌ای نمی‌باشد، اما در برخی موارد مانند زنا یا به‌عنف رضایت موجب تغییر عنوان جزایی به رابطه نامشروع یا زنا خواهد شد. در رضایت، چون یکی از عناصر اساسی رکن مادی، یعنی قهر، غلبه عدوان و در مواردی «عدم رضایت» منتفی می‌شود و اصولاً ماهیت جرم را تغییر می‌دهد.

نظم عمومی ایجاب می‌کند که انسان نتواند به صدمات وارده به تمامیت جسمی خود رضایت دهد، مگر این‌که منافع مشروعی چنین امری را ایجاب کند. بنابراین رضایت فرد در مواردی مؤثر است و ماهیت جرم را منتفی می‌کند که از ارتکاب عمل زبانی بر پیکر جامعه و نظم عمومی وارد نمی‌کند. اساساً در مسائل عمومی اشخاص نمی‌توانند چیزی را اجازه دهند یا ممنوع سازند. «در جرائم بر ضداخلاق و عفت عمومی، رضایت افراد در ارتکاب اعمال منافی عفت و نامشروع مانع از تحقق جرم نیست و با عدم رعایت شرایط قانونی و شرعی طرفین مستوجب کیفر می‌باشند. یکی از

قربانی است که آمیزش جنسی را به تجاوز جنسی تبدیل می‌کند. رضایت بزه‌دیده باید واقعی باشد و نه صرفاً تسلیمی که بر اثر فشار به‌دست آمده است» (برهانی و دادجو، ۱۳۹۶: ۱۱۵). در این عمل مجرمانه نقش بزه‌دیده در مقابل عمل ارتكابی بسیار کم‌رنگ می‌باشد و حتی مواردی همچون پوشش تحریک‌آمیز و جذب و همچنین رفتار محرک بزه‌دیده نمی‌تواند نوع جرم ارتكابی را تغییر دهد، چراکه عمل ارتكابی و عمل تحریک‌آمیز نمی‌تواند تناسب داشته باشد.

۴- نقش رضایت بزه‌دیده

رضایت یکی از نهادهای حقوق کیفری است که آثار متفاوتی در تحقق جرم و مسئولیت کیفری دارد. از مسائلی که از دیرباز راجع به زوال عنصر قانونی مطرح شده، مسأله تأثیر رضایت بزه‌دیده برای ارتکاب جرم است. «شکی نیست که تحقق جنایت مستلزم وجود بزه‌دیده است. باوجود این، گاهی پیش می‌آید که بزه‌دیده به جهاتی خود وقوع جرم را از قبل می‌پذیرد و حتی گاهی خود محرک مباشر به ارتکاب جنایت می‌گردد» (Elliott, 2000: 20). به‌هرحال انسان از آزادی اراده برخوردار است و این امر به‌عنوان حق فردی در قوانین بنیادی کشورها پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر زندگی اجتماعی و رعایت حقوق جامعه و دیگران اقتضا می‌کند که آزادی اراده انسان نسبت به جسم جان و مال وی با محدودیت‌هایی روبه‌رو شود. «در بیشتر این نظام‌ها رضایت علت موجهه جرم است و برخی آن را عذر قانونی می‌دانند و گاهی به‌عنوان عاملی محسوب می‌شود که سوءنیت را زایل می‌کند. اگر رضایتی در اثر حيله و تقلب هم به‌دست آمده باشد و شخص بزه‌دیده به علت فربیی که خورده است، مثلاً وعده ازدواج تن به آمیزش جنسی داده باشد، این عمل در حقوق ایران زنا یا به‌عنف خوانده نمی‌شود، چراکه به‌هرحال شخص به میل خود در رابطه جنسی ایفای نقش کرده است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۳-۱۷).

در مواردی رضایت فرض می‌شود، یعنی شرایط خاصی مانند رابطه خاص میان بزه‌کار و بزه‌دیده سبب می‌شود که وجود رضایت فرض شود (ولیدی، ۱۳۶۹: ۱۴۵/۳). به هر طریق رضایت در لغت به معنی خشنودی و اجازه و رخصت آمده

بی‌احتیاطی هم کرده است، تا اینجا رضایی وجود دارد، اما در مرحله دوم یعنی اقدامات جنسی، البته اگرچه بعد از تهدید بدون هیچ درگیری تسلیم می‌گردد، اما علت تسلیم تهدیدی می‌باشد که دختر را مکره به عمل جنسی با پسر نموده است، در این مورد سیاست قضایی اصل را بر رضایت دختر می‌گذارد و در رابطه با سیاست اجرایی نیز چنین تفکری غالب است که دختر با رضایت به چنین اقدامی دست زده است، هرچند از نظر تقنینی چنین عملی زنا‌ی به عنف بوده و دختر در رابطه با آن جرم زنا اختیار لازم را نداشته و مجبور به تسلیم شده است و به نظر می‌رسد که به دلایلی اجتماعی و اثر ارتکاب جرائم به عنف، چنین جنایتی به رضا تعبیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

بزه‌دیده‌شناسی علمی بر نقش بزه‌دیده در وقوع جرایم و به عنوان یکی از عوامل ارتکاب جرم تأکید دارد. از منظر بزه‌دیده‌شناسی علمی زنان از طریق اغوا و وسوسه و تحریک کردن مردان، نقش مهمی در بزه‌دیدگی خود در جرایم جنسی ایفا می‌کنند. در فقه و حقوق کیفری ایران نقش بزه‌دیده در زنا‌ی همراه با اغوا و فریب باتوجه به عنصر رضایت قابل تحلیل است، زیرا نقش بزه‌دیده در قالب رضایت در تفکیک میان زنا و زنا‌ی به عنف تأثیرگذار است. زنا‌ی به عنف به دلیل عدم رضایت با مجازات شدید قتل مرتکب و معافیت از مجازات زن بزه‌دیده همراه می‌باشد. درواقع آنچه اهمیت دارد، رضایت بزه‌دیده است که اگر در زنا وجود داشته باشد، بحث زنا‌ی به عنف منتفی است. در زنا‌ی همراه با اغوا نیز چنانچه به صورت زنا‌ی به عنف باشد، مجازات مرتکب اعدام است و زن بزه‌دیده به عنوان بزه‌دیده مسؤولیت کیفری ندارد. اثبات وقوع زنا‌ی به عنف و بدون رضایت و خواست قربانی، برعهده قربانی است که این موضوع مشکلاتی را در روند رسیدگی به این پرونده‌ها به وجود می‌آورد، زیرا بار اثباتی آن به خصوص وقتی رابطه و آشنایی قبلی وجود داشته است، بسیار سخت بوده و بعضاً ماهیت جرم و یا اصل ارتکاب جرم را متحول می‌کند، چراکه همان گونه که اشاره شد، زنا‌ی به عنف نوعی از زنا است که همراه با عدم رضایت و خواست قربانی می‌باشد و مجازات آن اعدام است، اما در زنا‌ی همراه

مصادیق مهم جرائم منافی علت جرم زنا است. جرم زنا از این جهت جرم انگاری شده که مغایر با عفت و اخلاق عمومی و حفظ نظام خانواده است و موجب خلط انساب می‌شود. در شریعت اسلام، اعمال منافی عفت در عداد جرائم سنگین و غیرقابل گذشت به حساب آمده است و تفاوتی میان شخص مجرد و متأهل و رضایت یا عدم رضایت وجود ندارد و این موارد، یعنی رضایت بزه‌دیده فقط می‌تواند میزان مجازات را تغییر دهد» (گرگی، ۱۳۸۸) و در موارد زنا‌ی به عنف به جهت وجود رضایت بزه‌دیده عمل زنا‌ی به عنف به زنا‌ی به حسب مورد محصنه یا زنا‌ی ساده تعبیر کند.

احراز رضایت بزه‌دیده بر وقوع رابطه جنسی یکی از مسائل مطرح در موارد بحث رضای بزه‌دیده دوستی‌ها و روابط قبل از ارتباط جنسی است. اصولاً در رابطه با ارتباط‌های قبلی مباحث احراز رضایت شخص بزه‌دیده در ارتکاب عمل مجرمانه جنسی مطرح می‌گردد، اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا اگر شخصی رضایت به لمس شدن بدهد، در ارتکاب جرائم جنسی شدید به معنی و مفهوم رضایت به ارتباط جنسی جماع نیز می‌باشد؟ بی شک این مورد وارد مقوله رضا می‌شود و در مورد رضایت بزه‌دیده که تمایل باطنی و موافقت قلبی بر تحقق امری پس از تصور و تصدیق منفعت آن و با تمایل قلبی و موافقت بزه‌دیده به اینکه تعرضی برخلاف قانون علیه حقوق و آزادی‌های او انجام گیرد (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۱۸۸) می‌باشد. بنابراین در مواردی هم رضایت فرض می‌شود، یعنی شرایط خاصی مانند رابطه خاص میان بزه‌کار و بزه‌دیده سبب می‌شود که وجود رضایت فرض شود (زراعت، ۱۳۸۹: ۷-۳)، اما اگرچه فرایند رضایت که یک امر باطنی است، می‌تواند به صورت اذن در خارج تبلور یابد، اما نکته مهم در این رابطه، این است که مفهوم رضا در هر عملی نیازمند احراز اقداماتی که تأیید رضای بزه‌دیده در آن عمل دارد، نه اذن در موارد دیگر، مثلاً اگر دختری با پسری رابطه دوستی برقرار کند و متعاقباً چندین مرتبه با پسر به بیرون و بعد از این که پسر اعتماد دختر را جلب کرد، دختر را به خانه برده و او را تهدید به اقداماتی کرده و بعد عمل جماع و ازاله پرده بکارت صورت گیرد که در این مورد، اگرچه دختر در مرحله اول به ورود به منزل رضایت داشته و در مواردی

- حر عاملی، محمد (۱۴۱۲). *وسائل الشیعه*. جلد بیست و هشتم، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. چاپ اول، تهران: نشر گستر.

- زراعت، عباس (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی رضایت و تأثیر آن در مسؤولیت کیفری». *ماهنامه دادرسی*، ۱۴ (۸۲): ۲۱-۲۴.

- ساداتی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰). «پلیس و پیشگیری از جرائم بدون بزه‌دیده». *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۴ (۱): ۲۳-۱.

- سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). *نظام القضاء و الشهاده*. جلد اول، چاپ اول، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).

- سیدمرتضی، علی (۱۴۳۳). *الاتصار فی انفرادات الامامیه*. چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

- شیخ الاسلامی، عباس و شاهیده، فرهاد (۱۳۹۷). «رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی نسبت به بزه‌دیدگی جنسی زنان (با نگاهی به قوانین کیفری و رویه قضایی)». *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۹ (۲): ۲۱۱-۲۳۲.

- طوسی (شیخ طوسی)، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. چاپ دهم، تهران: المکتبه المرتضویه.

- عاملی جُبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۳۸۰). *شرح لمعه*. ترجمه علی شیروانی، جلد سیزدهم، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.

- عاملی جُبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۲۵). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. جلد چهاردهم، چاپ ششم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- عسکری، الناز (۱۳۹۷). «بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۴ (۱): ۲۳۶-۲۴۶.

- فیلیزولا، ژینا (۱۳۸۹). *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

با رضایت، اساساً بزه‌دیدگی مطرح نیست و در زنای محصنه مجازات آن صد ضربه شلاق است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده اصلی، نویسنده دوم به‌عنوان نویسنده مسؤول و نویسندگان بعدی به‌عنوان همکار می‌باشند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، چاپ پنجاه و سوم، تهران: انتشارات میزان.

- اسکندرپور، ابوذر (۱۴۰۱). *نقش بزه‌دیده در وقوع جرائم جنسی*. چاپ اول، تهران: انتشارات فرنام.

- الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵). «بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی». *مجله دادرسی*، ۱۰ (۵۶): ۲۴-۲۷.

- بابازاده، ارشد (۱۳۸۳). «تأثیر فقر در بزه‌کاری». *نشریه اصلاح و تربیت*، ۳ (۳۳): ۱۰-۱۲.

- برهانی، محسن و دادجو، مهسا (۱۳۹۶). «مفهوم و جایگاه عنف در حقوق کیفری ایران». *نشریه حقوق اسلامی*، ۱۴ (۵۳): ۱۱۱-۱۴۷.

- بیات، شیرین و خالقی، علی (۱۴۰۱). «بررسی جایگاه زنان بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری با رویکردی تطبیقی». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۳ (۱): ۱۴۱-۱۶۴.

- ولیدی، محمد صالح (۱۳۶۹). *حقوق جزای اختصاصی*. جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب. منابع انگلیسی

- Elliott, C & Quinn, F (2000). *Criminal Law*. 3rd ed., London: Pearson Education Limited.

- Gottfredson, M (1984). *Victims of Crime: The Dimensions of Risk*. London: HM Stationery Office.

- Henning, K & Holdford, R (2017). "Minimization, Denial and Victim Blaming by Batterer: How Much Does the Truth Matter?" *Criminal Justice and Behaviour*, 33(1): 110-130.

- Meier, R & Miethe, T (1993). "Understanding Theories of Criminal Victimization". *Crime and Justice*, 17(10): 459-499.

- کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷). *اصول کافی*. جلد هفتم، قم: انتشارات تهذیب.

- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲). *مبانی جرم‌شناسی*. جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *حدود، تعزیرات و قصاص*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام*. چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۵). *جنسیت و خشونت*. چاپ اول، تهران: نشر گل‌آذین.

- مرادی، رضا (۱۳۹۵). *کالبدشکافی جرائم جنسی علیه زنان*. چاپ اول، تهران: نشر حقوقدان.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *انوار الفقاهه کتاب التجارة*. جلد اول، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی‌طالب (ع).

- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۳). *الاحکام الشریعه علی مذهب اهل‌البیت*. چاپ اول، قم: انتشارات تفکر.

- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۵). «بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام». *فصلنامه فقه و حقوق*، ۱۱(۳): ۶۵-۹۰.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). *جرائم علیه اشخاص*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). *عدالت ترمیمی در اسناد سازمان ملل متحد (دیپاچه در هنریک کاپتین و مارک مالچ نیکل؛ جرم، بزه‌دیدگان و عدالت)*. چاپ اول، تهران: انتشارات خلیلیان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). *پیشگیری عادلانه از جرم (مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از دکتر آشوری)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.